

نمبر ۷۶۳۰

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: *تراجم مصنفان*

مؤلف: *محمد حسین قزوینی*

موضوع:

شماره قفسه: *۹۴۲۴۴*

۹۲۹۰
۱۳۰۱



شماره ثبت کتاب

۷۷۹۳۷

۹۱۹۹

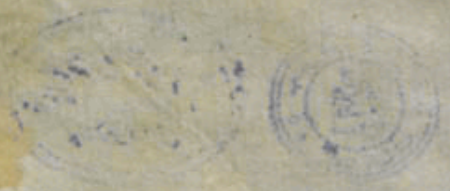
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۶۶۶۶

بازرسی شد
۳۶ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۲

10



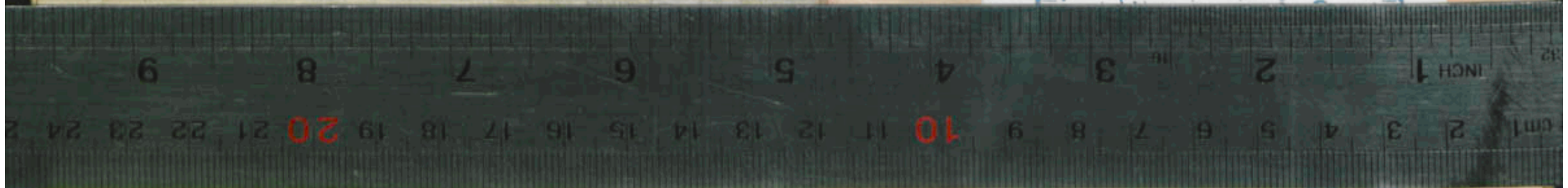
شورای ملی
 شماره ثبت کتاب ۷۷۹۲۷
 ۷۶۳۰ جن

شورای ملی
 شماره ثبت کتاب ۷۷۹۲۷
 ۷۶۳۰ جن

کتابخانه
 مجلس شورای
 اسلامی
 خطی

۵۵۵۶

بازدید شد
 ۱۳۸۲





بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي خلقنا وولدنا وولانا من له شريف الملائكة
 له ولنا من ائمة وكبره تكبير محمد علي طيب ثار الابرار وورثه وارثه
 الاصطفا والبروج مطالع الحكيم الطائفة وشمس الهدى اهل بيته
 عودة ابو بكر والهاون اما هو خير وبقرا من ارباب
 وحسن حمايت صحاب القابض **وبعد** يا ميمون
 واسعاده والاقبال وبالعة والشوكة وابدولة والجلال
 مجد ويشور فرخنده مال از ولادت مبارک جناب طالب
 اکرم فخر عظيم ادم بهر نه شوک و جله از قدم هجرت
 خسرو سبکان غیر اوقات جناب سید **۱** **لوه** بود ز کند

در صحت و چهار روز و چهار و پنج ماهه از روز شنبه چهارم
 شهر شوال **۱۳۹۲** قصه هجر علی را قدام آلاف التحية مطابون با
 هم همراه **۱۳۰۲** قصه سکه جلاله بن ملک ابن ابی
 سلیمان که نقل با نیر در **۱۳۰۲** نوی می خیزد که با **۱۳۰۲** و در
 ساعت **۱۳۰۲** و پنج بار در **۱۳۰۲** و شش روز رسد من
 به **۱۳۰۲** رسیده و در **۱۳۰۲** مبارک است لها فرزند شده و در **۱۳۰۲**
 ششمین **۱۳۰۲** و چهار بار تمام و **۱۳۰۲** اول دقیقه اول از سال **۱۳۰۲**
 و **۱۳۰۲** سال **۱۳۰۲** از ولادت پرور سعادت از درگاه
 حضرت **۱۳۰۲** در درگاه **۱۳۰۲** که بسکت و قبال و در **۱۳۰۲**
 و **۱۳۰۲** تمام عطا با کبری **۱۳۰۲** و **۱۳۰۲** و **۱۳۰۲**
۱۳۰۲ ادا **۱۳۰۲** ایام **۱۳۰۲** و **۱۳۰۲** اقدار **۱۳۰۲**
۱۳۰۲ اغان **۱۳۰۲** دام **۱۳۰۲** و **۱۳۰۲** ماطع **۱۳۰۲**

دام لك العز علي ما جعلت ليا **چون ملكي**
 ما تقدم من اس اله اسه و ليس كنهه بل و بطرس و ايضا
 حكماي مشاخرين همه در صفات خود ذكر فرمودند و عهدها نام طالع
 بطالع سخولي داشته و او را بدل طالع صهاركاشته اند و سابق
 بر اين هم صورت تاريخ دلاوت مبارك كه يوم خمسه پنجم شهر
 ۱۲۴۲ هجره بخوبن باين فخره لوجه رسیده و لكن از كرت شد
 و ملاقات روزگار فرغند صهارك كه انجمن رسيد چا كابت
 انجام رگ در اول روز سه لوي با بر ختم خود بخود در هر قدر
 صهره زنده شود چو كه استخراج كند صهارطو يا دست بخود نهد
 در انجمن غرض غرض كجور مبارك سانه هرگاه را سندان صهارك
 جبارك م غظم قرار كيرد كجه انجام انجمن حاضر م هر سانه را
 بقانون سير ام و اوق عمل انجمن است در او خود سنده نظر سانه

بیم عظیم از روزگد

اسان

بر ساند چشم بر حکم و گوش بر فرمان و باله لوق و بختصر را
 در روز قصد خود و قصد سیدار در قصد در اعمال استخراج از كجه
 سحر سحر سحر ك صهارك در دلاوت كير سعاده بود و بيا صهارك
 بگویم صهارك و الله اعلم بالصواب و منه المعونه **فصل اول**
 در عمل استخراج از كجه سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر
 كه شمس صهارك مبارك با عمل بعد و بهت كه اوق ترين عمل
 بخوم است به نهایت وقت طلوع صهارك استخراج شده بود **اول**
 سان صهارك موضع صهارك در لوي مایه لوم در شنبه اول
 ۴۰ روز روز زنده بود كشته پس شمس لوي بود **كوه**
 بهتها تا نصف النهار و بعد سقده **۴**
 ساعات بعد **۴۰** چون سقده سانه لوي را از نصف النهار
 كم گویم در ان موضع صهارك **۴۰** دایرم **نونه**

سطر لع خرد و شمر و لادت تحقیق را از سطر لع البروج لعروض ظهر برود
 بوج **قعود** پس سطر لع خرد و شمر با در جمع کویم شد سطر لع
 ط لع مبارک جلد **برین** ان سطر لع ط لع مبارک در جلد
 سطر لع البروج عرض ظهر ان مقوس کویم ط لع سحر یا نزهه مبارک
 بیرون آمد **۱۴** پس از سطر لع ط لع مبارک در جدول سطر لع
 البروج بقیه محرمین اول الجید مقوس کویم بیت عی شطر لع مبارک
۱۵ سطر لع سطر لع بطلک استقیم بوج **سطح** تا و
 بین سطر لعین **فدلاجه** ثلثه **کر** لسه لثرت لغا و
 بر سطر لع ط لع مبارک فرودیم بیرون آمد سطر لع مبارک جلد عشر
موقد با زنت تعدادت از سطر لع مبارک عشر افزودیم شد
 سطر لع بیت ثانی عشر **عرب** **لحمه** پس در هر که نصف
 پیش بر سطر لع ثانی عشر افزودیم شد سطر لع مبارک **شله** الطاء
 و ثلثه در هر که بیت درجه با بر سطر لع مبارک عشر افزودیم شد

سطر لع

۱۴
۱۵

سطر لع بیت ثلث **۱۵** ان سطر لع ط را در جلد و سطر لع البروج
 مقوس کویم مراکز بیوت اش عشر خارج کویم در جدول و در هر که بیت
 و بجهت ختم صا را بر سطر لع اشها سنوی بر اجم استخراج جدول همین در هر که
 عرض موقوفه سطر لع ط لثله از ط لع اشها سنوی سالی که استخراج است

| | | | |
|--|--|--|--|
| <p>۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰</p> | <p>۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰</p> | <p>۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰</p> | <p>۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰</p> |
|--|--|--|--|

مقدمه چون بگویند این تعاقب و این توفیق استخرج
 طالع صاحب است طالع شرف و اقبال که ادا می آید در جلا و عزت
 در سوره ابریت و تقاویم سوره یاره و ثابته و سهام و لطاق
 و عروض و ابعاد و طالع انوار و طالع شفا و طالع انوار
 و تعیین سببها و عطایا که خداست در اندک سبب و استقامت
 و طالع تجویزات تعیین سببها است و صاحب فرادیه و خداوند
 هر دو را با نوبه و سایر اعمال که در حکام خود بر آنها باشد
 فارغ شدم و چنان نیز گرفته بودم که نشاء به قائلان در هر یک که
 در دست است که بجز این نیست تمام و حکم در جمله نوشته که
 مبارک باشد که از لفظ انور بگذرانم و شرح حال خود تمام بعضی
 تازه پسند فرزند بسیار است بدین طالع صدر و سرخ و شفا
 این خدمت آنچه تا کنون قدر خطه شد که در این دست به بدین طالع شفا

مشاوران از استخراجه
 و لاد استخراجه
 و تفسیر دار

۱۱۹۴

که بر سر است و اند بجهت نوشته شده و همه در اوق محقق کرده
 بلکه هنوز بجا است که این طالع شده اند ایاز از مطمح شدن
 سقفا لید یا هر دو در کرد در صورت ضعف میوه و شدت
 و پیر در بر است ایام و وفا نماید که حکام این مشا که استخرج
 نوشته شود و آنچه در با انجام رسانم باین پس از این شکیلا
 و تصور بمفاد مالاید که لایر که چون عمل است که طوله
 داشت از آنچه نوشته شده را با آنچه آنها سنو از از آنچه
 بیرون آورده و حکام بدین عرض خود هر گاه را مبارک فرار کرد
 امور و غیر خود تا آنکه عوض شد عمال و حکام مشا سال را در
 نوشته که حضور میسر است و لایم مبارک است و حسن اتفاق است
 ما شمس مبارک بودم شب چهارم شهر شمس است که باین نزد
 و اگر سال است حکام خود باید ممکن است در صورت باید مبارک است



تا حکام کلیه این نظر اندر برساند و لا فلا **فصل در حکام**
 بسیار در دولت و جلال و شکوه و عزت و قبایل در رسیدن
 میلاد و ولادت فرخنده سعادت با اول شمس بچاه و حج
 است شمس یوم در شب چهارم در هر سال که یوم پنجم مهر ماه
 جلالت بطالع نیکو بطالع برج عقرب یکد رجه چیده دقیقه صد
 دست و با طالع یک ربع است هم صاحب بیت است در هر سال
 قدرت در هم صاحب رجه است هم صاحب شکر ثانی و در طالع
 است و هم صاحب بیت است و هم شکر است و در رجه طالع در هر سال
 و ظهر الفریز از کوکب ثانیه قدر هم در هر سال و این بود هم لفظ
 و بعد و هم در هر سال در هر طالع مبارک و چون زهره که صاحب طالع
 اصالت در هر سال در خانه نوحه اگر در هر روز در هر واقع کوه
 حکام سعادت را خواهد داد چون ذکر و ذکر و ذکر است که طالع
 بر یک و طالع کلام می شود لهذا این مقدار که کشید و صاحب طلب

مردود است که در هر سال فرض مال دلالت دارد در صورت مسیبت
 دعوت و پیرو در وقت دولت حکم الی و شهرت در اسم و رسم
 این طالع هم این تصور طالع عطا رده که در هر سال در این سنبله که نیست
 اویت و در بیت یازدهم که بیت المال با کثرت و ناظر طالع
 با سایر ولایات و دیگر ولایت بر حکم عطا و کسایت و فهم و است
 و صاحب را از حسن تدبیر در زمین و زیر یک و قطعات و در آن
 و در سه سال صاحب و در اینها شایسته و فکر کار و جوی و اندک شهنی
 عمیق چنانکه حکیم فرموده از اکان عطا رده نوبت با عی کوفت و در هر سال
 المحموده کان لم یولد قطعا در این صاحب خدا بد و تجارب نظر را
 جید بحدس و صاحب الفریز الی قوه مجله و مدبره در شمس است
 عظیم و معانات طیب در رجه عی و در رجه نوحه مخصوص در این
 بیشتر از پیشتر در قوانین ریاست و رسوم ایالت و مردم دارای

که در هر سال در هر سال

مردود



فکرم بصوب و تدبیر ما کما فرمائید و هر امر کلی و حلاله عظیم
 که واقع شود بظلمتین در این زمین بسیار و صغیر منظم و منسق و
 و هر وقت در این دولت عجب و عظمت است چنان منظم است که
 و منظم فرمائید که ما فوق این مقصود شویم و همواره سلسله
 بعد از او در هر مرتبه از این ظلمت غم دارند و از این
 خلائق بصفتها عیاشات و عطا قات متکاثره بر زمین و این سر علم
 و فضل و عز و محترم دارند و در ظلم و جور واقع و قهر فرمائید
 و درین بین نبوند و تقلید سخن که نمایند و هر چیز بعقل منظم
 موازنه فرمائید و هر وقت در این دولت است بر آنچه فرمائید و
 و توفیقات این در همیشه ما احوال است بعد خواهد بود چون صفا
 طالع در این همه از دهم است و ساقط از طالع است و همچنین در
 برج است و حال است علویان هر روز در این نه حج باشد در این

از کز

از کزت خود کس نیات و نیاز است و خدمات سخن ملک
 قدر است و دماغ روحها بهرست و در بعضی امور کما در این سخن
 و یا در این نشوند چون در طالع صد هزار در عاشر است و در
 سرطان که و با او است است مطلق است اگر در که هر عاشر است
 که فرمائید در نظر عاقلان خوب نباید و در دهم است و این
 کلیات از طالع است که است و هر در بعضی امور و در خواهد
 و لکن در عداوت و دشمنی است طالع حد را از این عالم است
 است و نخواهد است بلکه حکایت است و در این است چون در
 طالع مبارک شمس الزود است از بیت یازدهم است از عطا در
 در حد شمس و وجه زهره و سایر در دهم است که در این سخن است
 مطلقا در این است و در در کما خوب و قوت مزاج و قدرت
 و توانا است و در این است و سلطان و عظمت و سخن است

و علامت حسن صورت و مخور و نیز صبر چون قریب بر صفت
 بزه است و لیدر بخوبی قوه طبیعت و صحو و اعتدال مزاج
 و متجانسون بزبور کمال است و نقص با غلبه چون غلبه
 و لیدر قوه پاکه و فطیه و ناریه اند قدر ضعیف اند بجهت قدری
 این قوای معروضه از اعتدال خارج شوند و مجد و قوت گیرند و کلا
 کذب بر آن شکل نبینند و باوقار و حرمانند پس در بر و محقق بویستند
 بکلیه صفت و صفات کلیه و سواد عظیمه است بچو صفت و متغیر نکند
 و علامت حفاظت است از این نیراز و دلا بکلیه صفا طالع
 دلاوت ببارت که از کثرت رحم و دعوت و مهرانی با نیایی
 صفت المثلث است و علامت نمایند که احد بر او عفو و عفو نمایند
 و در الحقیقه ضرر هم بجهت مزاج و در دو سه بار دارد که اگر شفته یا
 علامت فرمایند که کسی از سر برند یا شکم بد و در صحرای کمان بنایند

در علم طالع

که می خورف و خط است و همیشه از دیدن این گونه همواره فرزند
 و همواره بر عهد مظهر و منصور باشند و جیم دل و کرم طبع و حلیم در بار
 و مستقیم و باوقار و عادل و بیگوار و عیاش باشند و در راه
 عیاش بسیار نمایند بطریق حکیم در کتب صد کلمه در کلمه چند و گم
 آورده که عظم السعادت طالع لم یولد من لکوکب التابیه
 در طالع تجید و استقامت و در طبع فرزند رس و نیرافک و سوره
 و آخر این که همه از چهار نویم و اول بیست و هفتم از این نویم
 بر آن بزرگ و دلپس و وضع است بر صفا عظم سعادت است و صفا
 احوال مقامات و مؤید چون بتایدت بزرگ و مستعد چون
 سعادت است و سعادت چون در هم و تدابیر ملک و ملت و تعدیل
 مصالح دین و دولت در و عموون سعادت و منزلت که عاظم
 جهان و کار بجز این حلقه بند که در گوش و مرفعت بر سیا جاشان

سجد تکذیب روحان بسیار شغف کلام ^{عظمت} الله جل جلاله و در لکن و شکر و
 بر تبه رسد که سلطان جهان بقدر او درک زند اپرا او را
 و قرار نماید و حکم او بر شرف غلبت مالک فیاض و نافذ باشد
 و صفت جلالت و عدل و انصافش گوش زد جهانیان و در بود
 مسامح علیان کرد و در همه ملک و بند هر که اطاعت نکند
 و غلبت کرن و جان شارب و در همه از خا نواده سجدا باشند
 و در سال همه بر سر و صحت بر بند بجهت بکه افسار و ماه
 و نتایج آنها که در همه سعادت و سکنج و کفایت سعادت و اول
 و عوض ارسته اند دلالت کند بر طهارت و صحت مزاج و قلت
 ناخوش و سلامت جو اس و اعضا و حسن التلیف و پاک اعتقاد و
 نیکو معاشرت و عین و شرف و کمال عقدا و طمانت و محبت
 و صحت سلامت و شاکلا و کمال در تمام جسم است
 چون دلایفانه کرم صهار و طالع تحویل و طالع برج آنها بر مین

خوب و موافقند

خوب و سعادت و اینجاست که راه حکما را می بیند خانه دولت و سعادت
 و چون انصاف و در خارج و کمال و شرف است اند و در لکن
 اینجاست که در هر طالع کمال قوتها زود و عوض ارسته است
 از شرف و عجز دارم و اگر دلایف این یک خانه را بخواهم عرض نمایم
 بجلد و تحریر نماید چون در تحقیق مقصود اخضا کلام است که تطبیق
 نیز جهت و در همه جوار کلام معلوم میشود که چه قدر کمال
 چون صحت و موافق است و راجع است و در سبب فرخنده مال
 خرجها که خستیا فرمایند و سایر دلالت او دلالت دارد بر
 مال را با محبت و تقویت است ارنه و از خاص مال خود او
 بدست ارنه و مال و منال و نیز در تو کرم و عاقبت است
 و در سبب فرخند زاید و خدایا با آنکه مال زاید از راه هر روز
 خواهد رسید در همه بیرون و خارج بیشتر از مقدار آنست
 کان

در خصوص این کلام

و در این وقت فقیران بر گروه از خان حجت او سهم دارند و از سفر
 حجت او مرزوبن میشوند و این از اثر طالع صد مبارک است
 که باید از جوهرت این غلبه ^{بیشتر} همان روز زمین به کتفه و
 یا زبانت اسم و رسم بگشود جناب صاحب را در زمانه کرده
 بهره دارند و ایضا همه گروه از قریب و دور تصور شود از مال
 جناب بهره مند خواهند گشت چون این نوع غلبه ^{بیشتر} شود
 چشم است مال اعدا داشته باشند اما بعد مال خود بدین
 در مال او هم کمتر خیاست شود و در این بصر او ^{بیشتر} کین
 خیر دستگیری فرماید و غلبه مال از جایگاه دیگر کمان شود
 رسیده و خواهد رسید و منافع و فواید و خیر بر وجه ^{بیشتر} او
 و حصول مال از موضع مستحب باشد و این نیز از لوازم طالع
 اصل است که هر چه از جهت معیشت و سعادت دنیا که بر خاطر مبارک

گذرد



گذرد با نیک سعیر المرام میسر گردد و فقر و تنگدستی را ابداد بگریختند
 دید و در سال مال و فراز از شرف هم گشت که همه بظلم اندوخته
 و در دین و دنیا همه را خواهد بود ^{بیشتر} چون در این ^{بیشتر} مینویسم
 از طالع کج بود و آنها که اینی نه خانه برادر و خواهر و حرکت ^{بیشتر} در
 و شکر و معین با و علم و سرار و اینی نه کلمه مذکور است ^{بیشتر}
 دستگیر اینی نه مرزبانت و چون راس و سهم هر سهم شفا
 در اینی نه در سایر دل ^{بیشتر} نظیر ^{بیشتر} چون مرزبانت
 در از درم مفارن با بهره است ^{بیشتر} بر خوبا و صحت ^{بیشتر} در
 برادر و خویش و خوبا ^{بیشتر} آنها چون برج میزان و مال ^{بیشتر}
 عین که بصر در باطن خوب باشند و آثار نفاق آنهاست ^{بیشتر} در
 حرکت و سوار بر سار فرمانده تیر و طرف در هر حرکت فرماید ^{بیشتر} حصول
 مطلب و مقاصد و از در مال ^{بیشتر} غلبت گردد و از این ^{بیشتر}

بان شار و بصر اقربا و خویش و اولیای خود را در راه حق
 بطور ابر و نیز از اثر طالع صدر است که همواره در قطب
 و اولیا و اولیای سرانیک و موفقت و همراهم با خفاست که
 خواهد بود از بصر سرار و امور مطیع باشند بجهت تصدق و نیکی
 با عطا رود و شکر و سپاس خدای که حکیم مغرب فرمده که حرف الی
 اولیای تو در مکان الصالح او یکون مع اکثر اولیای تو که سهم
 العرفان لم یولد من بصر العطاء و نیال من صدقانه خیر
 کثیرا دعوا چون بیت راجع که لیدعوب امور ملاک
 و مقام و سکن است دلائل و حیصه و در سهم لعمقار و سهم
و حبش و کولبر که در این فانه باشم دشکات ملین بیت الاجر
 در طالع کجای دل و در آنها سطح و در صدر و مستول
 بر نیغانه در آنها قرت و او در طالع در در تایره در سهم

در راه نیک



در خانه مالک با سایر اولیای خود و دل در راه حق
 اینخانه و بدست آمدن هلاک مرغوب و جبراً قوات یا بیت تعمیر
 موضع بایره و عمارت مرتفعه عالیه و باغات پستین و جدول
 و انهار زیست این که هر یک زیست و در زمین باشند در شکر فلد
 برین بجهت با ابا مواضع خیر که اشار نیک مرا سالی و قرنها
 بسیار در صفی روزگار بماند و هر چه پیشتر از عمر مبارک بگذر ترقیات
 پیشتر صد شوی و اما یکن میشتر بماند و محمود لجوب بشند و
 و لصف که زیند و در خیرات صدقات نهایت بهر مندی
 داشتن و در جیم دل مهربا با کار فلا لین لین و ایها غل از اثر
 طالع صهار در اینجا معرض آمد و خویش ن و بست ن پدر را اول
 رفتار و سلوک در شتر نمایند در رض بیم پیمان و محمود صالح
 باشند در همان توفیقات اللهم موفق کردند و مؤید عند لیم

یک سبزه از شمشاد که با سر در صحنه در آید و لکن در شمشاد او یک
 نماند و چو وقت احدی فایده خواهد آمد بلکه چنان مفهوم میگردد که
 هر کسی که از نظر سبزه بگذرد که از نظر غلبه خلق باشد و چنانکه
 نخواهد بود و غلبه از سفها و اشخاص مذکور است و سبزه با قدمها
 با مردم بزرگ کنند بدشان آید و با این اشخاص میباشند
 و ظاهر و باطن هم یکی باشد و شریک و نوکر روز از این سبزه
 همه در زیر تو جانان پاک هم چیز شوند و با آنها غلبه اطهار و عرق
 و محبت تمام میشود و لکن نهکجا چندان آید نباشد چنانکه در
 و تمام همه صدان و دشمنان را که ظلمت بر خواهند دید و هر چه
 شوند و نیز از اطفال صدهاست که نزد و بفرمایند که هر چه
 و بزرگ از خوش بخت و خوش قدم از آن بدست آید و روز بروز
 و هر چه از راه سرفتن شود باز بدست آید و بعضی ظاهران و غنیان
 بدست میباشند و در این آید تلویحی که از دست سبزه
 چون هر که بدست میآید و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود

در این است

برسد و صحت و خوبی همه منسوب است به ششم بعلم چون هر که بدست
 که حکما اینجا نه را خانه علم و دین و سفر و خوبان بدین و وفادار و
 ماضیه و امر و عجب است و در هر چه بود و در هر چه بود سلطان است
 روح قوس است چون در اول قلم از کردار با منوع آمد و دلخواه نشد
 و لا کج و دلا بر سبزه میآید خلد صدهاست که رسته است اولی و
 جزو شریف و ضرر و رسته تا نماند و عیالات و قیام خیر و رسته
 و لید علم و رؤیای صده تعیین و با دله این است که عرق شریفان
 و صاحب سبزه او و سهم و علم و صاحب هر چه بود و جمع و لا بد
 شهرت میزند و خوبان او از اطفال صده است هر نوع
 عورت و مرتبه که بدست او از هر چه بود از سفر خواهد رسید و
 و غیر از ظاهر کردد از تا سفر بفرستد که هر چه بود در سفر نماند
 و حکم کشیده و در چهار دیده اند و مخالف و ترسک بفرستد که
 شرف قلم عاجز است و لکن بجهت با سبزه است و عفت بزرگ فایده
 و تمام از سفر نماند کثیر غایت و با کثرت سبزه رسیده و با او
 طافا شده و خواهد شد و اهل حوائج آنها سبزه رسیده و خواهد دید و اگر

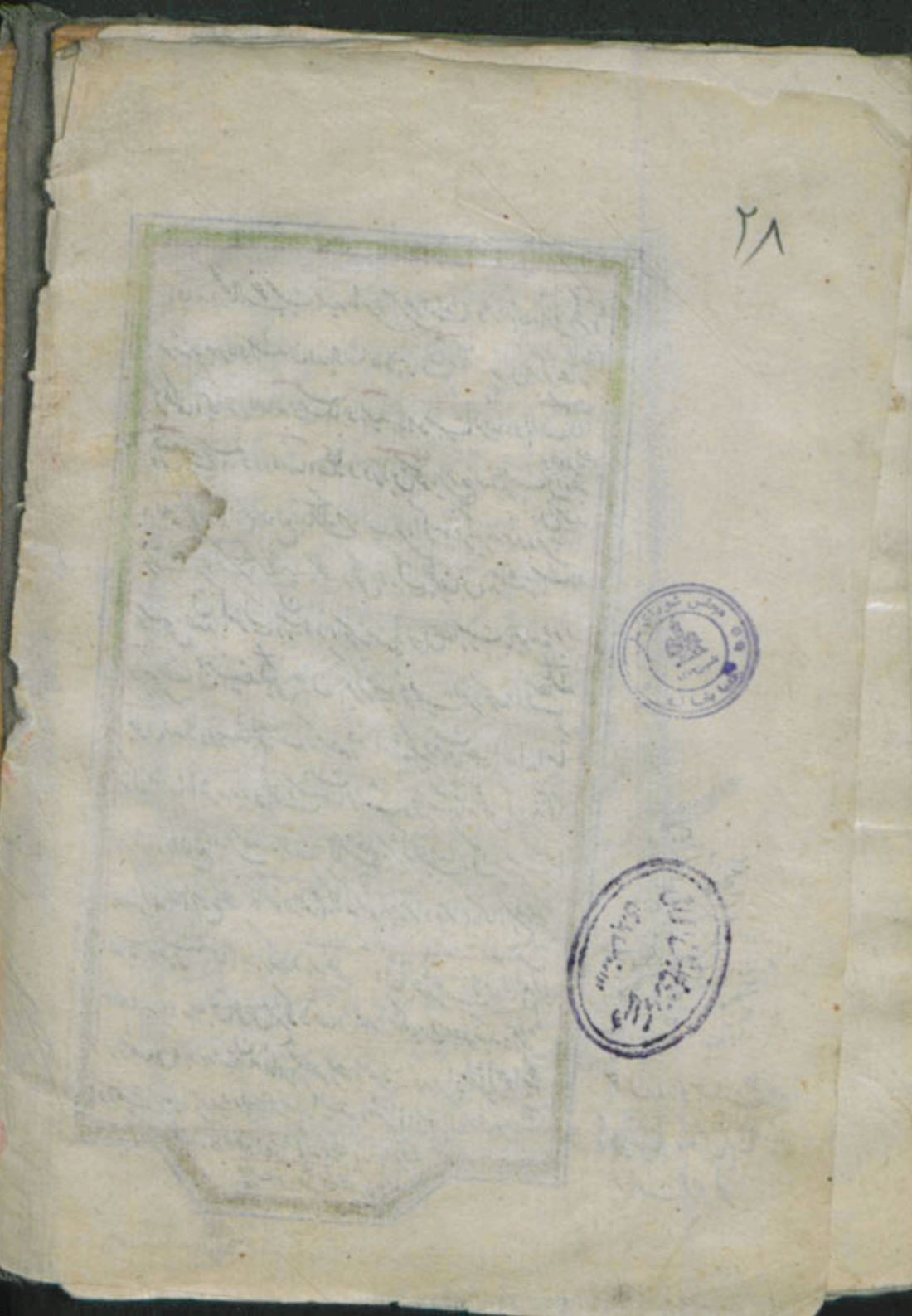
در هر چه قلبت را که خطور نماید همان صورت خواهد گرفت قلوب صدها
 مطابق واقع گردد و همواره میرسد که با ما است و دریا و خورشید و قمر
 با خلق و خوش نتر و زشت و مطلع چون از پیش آمد کار خود و نهادن
 در این قول ظاهر و عمل باطن و باند که تو به رتبه است میرسد
 و هر چه عالی را در که فرماید بچه در سال از ما فرزند خطی
 ظاهر گردد و بعضا بعضی که صدها چون میرسد
 هم که محاسبین علم نجوم این را از خانه رفت علم و جاه و عمارت
 دریات فحیت و صورت و ارتفاع قدر و شرف و خانه پادشاه
میرسد در طالع صدها سرطان و طالع آنها برج حد و در طالع
سجده برج حد و برج حد و برج حد و برج حد و برج حد
 قوتها را و عوض ارکانه مطلقا و لیاقت برخوب شعد و علم و دانش
سخت و گرن میرد و معدن و محبت و عشق و کمال و عمر و سخت
 بر مقام سخت و زهره است این معدن و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 نیز آید و علم سخت از ادوا میرد و لکن در صن در علم و سخت
 مطلقا لیاقت که بر علمی که بفرماید معدن و علم و سخت این با شعد و علم و سخت
 پندارد و همیشه معدن و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت

اینجا

اینجا در کمال خوب امید ما بر جا میرسد و مهرام معدن و سخت
 مرتبه و بهره و رشدن از پادشاه و علمی و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 که حکم اینجا را خاسته و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 در این برج و در انها و در این برج و در این برج و در این برج
 در این برج و در انها و در این برج و در این برج و در این برج
 برشته و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 چون صدها و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 ترک مهرام و فرماید و علمی و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 از لوازم طالع صدها چون به لا معلم و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 بهتر و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت و سخت و سخت و سخت
 حاجت و مهرام و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 حکام و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 بر دشمنان و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و همیشه سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت

از درگاه و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت

اینجا در کمال خوب امید ما بر جا
 میرسد و مهرام معدن و سخت
 مرتبه و بهره و رشدن از پادشاه
 و علمی و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 که حکم اینجا را خاسته و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 در این برج و در آنها و در این برج و در این برج و در این برج
 در این برج و در آنها و در این برج و در این برج و در این برج
 برشته و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 چون صدها و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 ترک مهرام و فرماید و علمی و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 از لوازم طالع صدها چون به لا معلم و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت
 بهتر و کمال و عشق و کمال و عمر و سخت و سخت و سخت و سخت
 حاجت و مهرام و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 حکام و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 بر دشمنان و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت
 و همیشه سخته و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت و سخت





کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۶۲۲۳